



آزمون تجربی نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری در حسابداری نخستین: شواهدی از نحوه تأثیر برخی عوامل محیطی

زهره مهدی‌زاده^۱

رضا حصارزاده^۲

محمود لاری دشت بیاض^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۶

چکیده

قیمت‌گذاری حسابداری نخستین و تأثیر آن بر استقلال و کیفیت حسابداری، همواره مورد توجه بازار سرمایه، نهادهای ناظر و نهادهای حرفه حسابداری بوده است. در رابطه با قیمت‌گذاری حسابداری نخستین، دو نظریه رقیب وجود دارد. نظریه اول حامی وقوع پدیده نرخ شکنی و نظریه دوم مخالف وقوع پدیده نرخ شکنی می‌باشد. هدف اصلی این پژوهش بررسی وقوع یا عدم وقوع پدیده نرخ شکنی با توجه به عواملی همچون نوع شرکت صاحبکار، میزان رقابت و طبقه شرکت‌های بورسی می‌باشد. جامعه آماری شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نوع شرکت صاحبکار و طبقه شرکت‌های بورسی در قدرت تبیین نظریه‌های رقیب مؤثر نبوده و در تمامی موارد، پدیده نرخ شکنی به صورت معناداری وجود دارد. در عوض، میزان رقابت تا میزان قابل ملاحظه‌ای در قدرت تبیین نظریه‌ها مؤثر می‌باشد. بدین صورت که با افزایش رقابت، پدیده نرخ شکنی کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری، حق‌الزحمه حسابداری، حسابداری نخستین، پدیده

نرخ شکنی.

۱- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲- دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده اصلی و مسئول مکاتبات). Hesarzadeh@um.ac.ir

۳- استادیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۱- مقدمه

یکی از نگرانی‌های عمومی که نظر نهادهای حرفه‌ای را به خود جلب کرده است، رقابت بیش از حد حسابرسان بر سر تصاحب کار و وقوع پدیده نرخ شکنی^۱ در حق‌الزحمه حسابرسی نخستین می‌باشد (کمیته اخلاق حرفه‌ای حسابداران خبره^۲، ۱۹۹۲). بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص چگونگی قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین و سال‌های بعدی دوره تصدی نشان می‌دهد که در این زمینه حداقل دو نظریه متفاوت وجود دارد. این نظریه‌ها، با عنوان نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین، توسط دی آنجلو^۳ (۱۹۸۱) و دای^۴ (۱۹۹۱) به شرح زیر بیان شده است:

بر اساس نظریه دی آنجلو (۱۹۸۱) از آنجا که تغییر حسابرسان برای صاحبکار و حسابرسان جدید هزینه بر خواهد بود، لذا تمایلی برای تغییر حسابرسان وجود ندارد و حسابرسان فعلی می‌توانند از این موضوع بهره جویند، چرا که در سال‌های آتی بدون واگم از تغییر می‌توانند حق‌الزحمه بیشتری (شبه منافع آتی) را طلب نمایند. بنابراین حسابرسان تلاش می‌کنند با ارائه تخفیف در حق‌الزحمه حسابرسی نخستین، کار را در شرایط رقابتی به دست آورند تا از منافع آن در سال‌های آتی بهره جویند. با این وصف، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به سال‌های آتی کم‌تر می‌باشد.

در مقابل، دای (۱۹۹۱) با نقد نظریه دی آنجلو، افزایش قدرت چانه‌زنی صاحبکار و افشای حق‌الزحمه حسابرسی در صورت‌های مالی را مانع پدیده نرخ شکنی می‌داند. همچنین از آنجا که حسابرسان در حسابرسی نخستین زمان بیشتری را صرف می‌نمایند، لذا حسابرسان در حسابرسی نخستین حق‌الزحمه بیشتری را طلب می‌کند. اما در سال‌های آتی به دلیل کاهش زمان صرف شده، حق‌الزحمه نیز کاهش می‌یابد (ترنر^۵، ۲۰۰۲؛ فلانگین^۶، ۲۰۰۲). با این وصف، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه سال‌های آتی بیش‌تر می‌باشد.

بررسی شواهد تجربی حاصل از تحقیقات گذشته پیرامون دو نظریه رقیب یادشده، حاکی از آن است که حسب شرایط مختلف، این دو نظریه، می‌توانند قدرت تبیین‌کنندگی متفاوتی داشته باشند. برای مثال در آمریکا، پژوهش‌ها شواهدی از وجود پدیده نرخ شکنی در حسابرسی نخستین و عبارتی قدرت تبیین نظریه دی آنجلو را نشان می‌دهند (سیمون^۷ و فرانسیس^۸، ۱۹۸۸؛ اترج^۹ و گرینبرگ^{۱۰}، ۱۹۹۰). در مقابل، در استرالیا اکثر پژوهش‌ها شواهدی از عدم وجود پدیده نرخ شکنی در حسابرسی نخستین و قدرت تبیین نظریه دای را نشان می‌دهند (فرانسیس، ۱۹۸۴؛ باترورث^{۱۱} و هگتون^{۱۲}، ۱۹۹۵). در واقع، نتایج متناقض ناشی از پژوهش‌های موجود، احتمال تأثیر شرایط محیطی را بر چگونگی قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین (قدرت تبیین هر یک از نظریه‌های رقیب) تقویت می‌کند.

به طور کلی، پژوهش‌های پیشین، موضوع وقوع پدیده نرخ شکنی را به صورت کلی و بدون توجه به تأثیر عوامل محیطی بر وقوع یا عدم وقوع پدیده نرخ شکنی بررسی نموده‌اند. همچنین بیش‌تر پژوهش‌های پیشین بر یکی از نظریه‌های رقیب متمرکز بوده‌اند. پژوهش حاضر علاوه بر در نظر گرفتن تأثیر عوامل محیطی با اهمیت شامل سطح رقابت در ارائه خدمات حسابرسی، نوع شرکت صاحبکار و طبقه شرکت بورسی، هر دو نظریه را به صورت همزمان مورد واکاوی قرار می‌دهد.

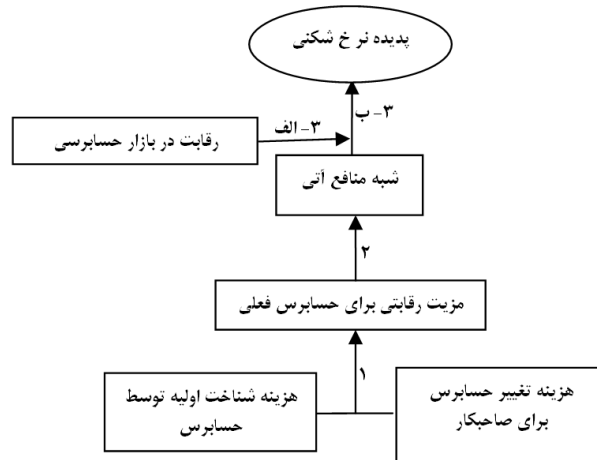
۲- مبانی نظری، پیشینه و فرضیه‌های تحقیق

۲-۱- حق الزحمه حسابرسی

حق الزحمه حسابرسی جزئی مهم از تعاملات حسابرسی و مسلماً بخشی حیاتی از روند تغییر حسابرِس محسوب می‌گردد (کیسر^{۱۳} و ویلسون^{۱۴}، ۲۰۱۶). شواهد تجربی نشان می‌دهد که رابطه قوی و دو طرفه بین حق الزحمه حسابرسی و تغییر حسابرِس وجود دارد. صاحبکاران اغلب به دلیل بالا بودن حق الزحمه حسابرِس فعلی و یا زمانی که انتظار کاهش حق الزحمه حسابرسی در حسابرسی نخستین را داشته باشند، اقدام به تغییر حسابرِس می‌کنند (کمیسون رقابت^{۱۵}، ۲۰۱۲). بنابراین ارائه تخفیف در حق الزحمه حسابرسی نخستین از سوی حسابرِس به منظور برآورده کردن تمایلات صاحبکار و تصاحب قرارداد حسابرسی قابل درک می‌باشد.

بررسی متون حسابرسی در خصوص چگونگی قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین و سال‌های بعدی دوره تصدی نشان می‌دهد که در این زمینه حداقل دو نظریه متفاوت وجود دارد. نظریه‌های مذکور توسط دی‌آنجلو (۱۹۸۱) و دای (۱۹۹۱)، به شرح زیر بیان شده است:

دی‌آنجلو (۱۹۸۱) معتقد است هزینه‌های بالای تغییر حسابرِس و نیز هزینه‌های بالای شناخت اولیه، باعث ایجاد مزیت رقابتی برای حسابرِس فعلی نسبت به حسابرِس رقیب می‌گردد (بردار ۱ در شکل یک را ببینید) و این مزیت رقابتی به حسابرِس فعلی اجازه می‌دهد که حق الزحمه‌های آتی را بالاتر از هزینه‌های قابل اجتناب قرارداد حسابرسی تعیین کند (بردار ۲ در شکل یک) و از این طریق منافع خود را تأمین نماید. با آگاهی از این مزیت رقابتی، در بازار رقابتی خدمات حسابرسی، حسابرِس‌ان برای تصاحب کار، مبلغ قرارداد حسابرسی نخستین را با تخفیف ارائه می‌نمایند (بردار ۳-الف و ۳-ب در شکل یک). به این پدیده در حوزه حسابرسی، نرخ شکنی می‌گویند. بنابراین بر اساس نظریه دی‌آنجلو (۱۹۸۱)، انتظار می‌رود که مبلغ حق الزحمه حسابرسی نخستین کم‌تر از مبلغ حق الزحمه حسابرسی سال‌های آینده دوره تصدی حسابرسی باشد.

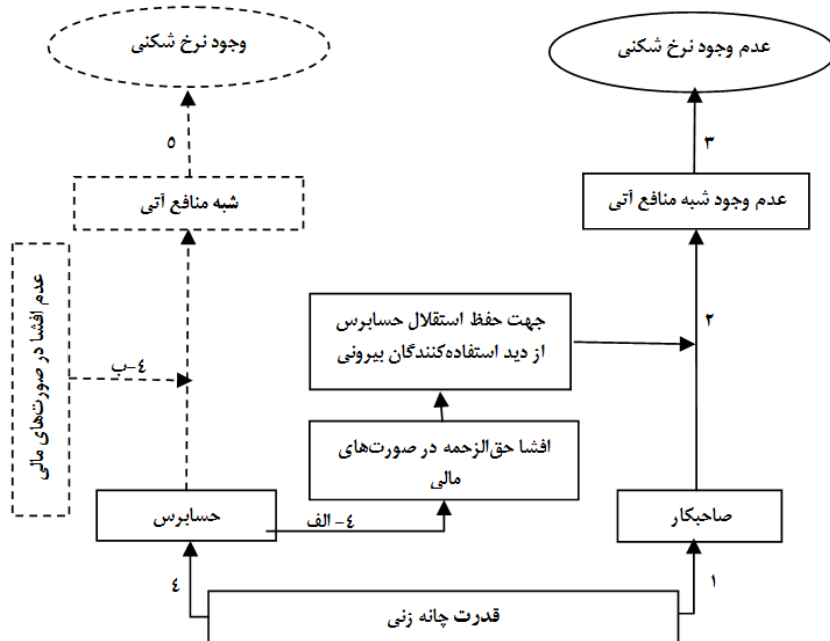


شکل ۱- نظریه دی آنجلو

منبع: برگرفته از تحلیل‌های دی آنجلو، ۱۹۸۱

دای (۱۹۹۱) معتقد است تخفیف ارائه شده در مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی نخستین، تابع قدرت چانه‌زنی (و نه مزیت رقابتی) می‌باشد (شکل دو را ببینید). برای مثال چنانچه صاحبکار دارای قدرت چانه زنی باشد (بردار ۱ شکل دو)، آنگاه احتمال عدم پرداخت حق‌الزحمه‌های آتی اضافی توسط صاحبکار بیشتر می‌شود (بردار ۲ در شکل دو) و لذا حسابرسی نمی‌تواند به امید بازیافت حق‌الزحمه‌های آتی، اقدام به نرخ شکنی نماید (بردار ۳ شکل دو).

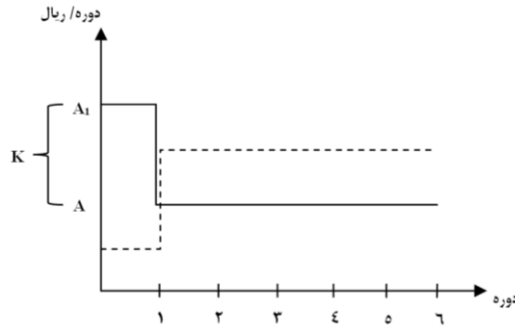
از طرف دیگر، دای (۱۹۹۱) به اثر افشا و عدم افشای شبه منافع بر وقوع پدیده نرخ شکنی اشاره می‌نماید. چرا که مشاهده شبه رانت‌ها (حق‌الزحمه بیشتر) بر نگرش استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی نسبت به استقلال حسابرسی اثر سوپی دارد. در نتیجه دای استدلال می‌کند که افشای حق‌الزحمه (بردار ۴- الف در شکل دو) منجر به حذف شبه رانت‌ها (بردار ۲ در شکل دو) و نهایتاً باعث حذف پدیده نرخ شکنی می‌شود (بردار ۳ در شکل دو). همچنین دای بیان می‌کند عدم افشای حق‌الزحمه، برای حسابرسان فرصت مناسبی است و حسابرسان به راحتی می‌توانند مبلغ تخفیف ارائه شده در حسابرسی نخستین را از طریق افزایش حق‌الزحمه در سال‌های آتی جبران نمایند. بنابراین عدم افشا باعث ایجاد شبه رانت (بردار ۴- ب در شکل دو) و به دنبال آن وقوع پدیده نرخ شکنی می‌گردد (بردار ۵ در شکل دو).



شکل ۲- نظریه دای

منبع: برگرفته از تحلیل‌های دای، ۱۹۹۱

با توجه به توضیحات پیش گفته و همچنین با در نظر داشتن این نکته که در ایران، اغلب حق‌الزحمه حسابرسی در صورت‌های مالی افشا می‌شود، بنابراین با توجه به شکل ۲ انتظار می‌رود بخشی از نظریه دای (بخش مشخص شده از طریق خطوط ممتد) نسبت به بخش دیگر (بخش نقطه چین) قدرت تبیین‌کنندگی بیش‌تری داشته باشد. به طور کلی بر اساس نظریه دای (۱۹۹۱)، انتظار می‌رود که مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی نخستین بیش‌تر از مبلغ حق‌الزحمه حسابرسی سال‌های آینده دوره تصدی حسابرسی باشد. به طور کلی نمودار زیر روند قیمت‌گذاری حق‌الزحمه حسابرسی را طبق دو نظریه یاد شده نشان می‌دهد:



نمودار ۱- روند نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین

منبع: دی آنجلو، ۱۹۸۱؛ برگرفته از تحلیل‌های دای، ۱۹۹۱

در نمودار ۱، A هزینه حسابرسی، A_1 هزینه حسابرسی نخستین، K هزینه راه‌اندازی برای حسابرسی به علاوه هزینه تغییر حسابرسی برای صاحبکار، خط نقطه چین روند حق‌الزحمه براساس نظریه دی‌آنجلو (۱۹۸۱) و خط ممتد روند حق‌الزحمه براساس نظریه دای (۱۹۹۱)، را نشان می‌دهد.

۲-۲- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در کشورهای مختلف پیرامون حق‌الزحمه حسابرسی و از جمله ایران (برای مثال، دیانتی و بیاتی، ۱۳۹۴؛ حیدرپور و جعفری، ۱۳۹۵؛ مشایخی و همکاران، ۱۳۹۵) انجام شده است. اما نتایج این پژوهش‌ها شواهد جامعی در خصوص پدیده نرخ شکنی فراهم نمی‌آورد. به منظور تلخیص نتایج پژوهش‌ها و نمایش تصویر کلی از آنها، نتایج در قالب جدول ۱ خلاصه می‌شود.

جدول ۱- نتایج پژوهش‌های تجربی قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین

کشور / محققان	سال انتشار	دوره زمانی پژوهش	شواهد نشان دهنده وقوع پدیده نرخ شکنی...	با نظریه همخوانی دارد.
استرالیا				
فرانسیس	۱۹۸۴	۱۹۷۴-۱۹۷۸	نمی‌باشد	دای
باترورت و هگتون	۱۹۹۵	۱۹۸۷-۱۹۸۸	نمی‌باشد	دای
کراسول ^{۱۶} و فرانسیس	۱۹۹۹	۱۹۸۵-۱۹۸۷	به صورت ترکیبی می‌باشد*	دای و دی‌آنجلو
انگلستان				
پونگ ^{۱۷} و ویتنگتون ^{۱۸}	۱۹۹۴	۱۹۸۱-۱۹۸۸	به صورت ترکیبی می‌باشد**	دای و دی‌آنجلو
گرگوری ^{۱۹} و کولیبیر ^{۲۰}	۱۹۹۶	۱۹۹۱	می‌باشد	دی‌آنجلو
پیل ^{۲۱}	۲۰۱۳	۲۰۰۷-۲۰۱۰	به صورت ترکیبی می‌باشد***	دای و دی‌آنجلو
آمریکا				
سیمون و فرانسیس	۱۹۸۸	۱۹۷۹-۱۹۸۴	می‌باشد	دی‌آنجلو
اتردج و گرینبرگ	۱۹۹۰	۱۹۸۳-۱۹۸۷	می‌باشد	دی‌آنجلو
گوش ^{۲۲} و لوستگارتین ^{۲۳}	۲۰۰۵	۲۰۰۰-۲۰۰۳	می‌باشد	دی‌آنجلو
سانکاراگوراسوامی ^{۲۴} و ویزنانت ^{۲۵}	۲۰۰۹	۲۰۰۰-۲۰۰۸	می‌باشد	دی‌آنجلو
استنلی ^{۲۶} و همکاران	۲۰۱۵	۲۰۰۰-۲۰۰۹	می‌باشد	دی‌آنجلو
آلمان				
بیگوس ^{۲۷} و زیمرمن ^{۲۸}	۲۰۰۹	۲۰۰۵	نمی‌باشد	دای
کهلر ^{۲۹} و همکاران	۲۰۱۰	۲۰۰۵-۲۰۰۷	می‌باشد	دی‌آنجلو
واپلد ^{۳۰}	۲۰۱۰	۲۰۰۵-۲۰۰۸	به صورت ترکیبی می‌باشد****	دای و دی‌آنجلو
کراب ^{۳۱} و همکاران	۲۰۱۴	۲۰۰۵-۲۰۱۱	می‌باشد	دی‌آنجلو
ایران				
عزیزخانی و آقا بیگی	۱۳۹۲	۱۳۷۹-۱۳۸۸	نمی‌باشد	تا حدودی دای*****

* وقوع پدیده نرخ شکنی تنها در صورتی رخ می‌دهد که تغییر حسابرس از مؤسسات حسابرسی غیر بزرگ به مؤسسات حسابرسی بزرگ باشد.

** پدیده نرخ شکنی فقط در حسابرسی‌های انجام شده توسط مؤسساتی غیر از هشت مؤسسه بزرگ حسابرسی رخ داده است.

*** تنها در صورتیکه صاحبکار مؤسسه حسابرسی بزرگ باشد پدیده نرخ شکنی رخ می‌دهد.

**** تنها در صورتی که شرکت‌ها حسابرس خود را به چهار مؤسسه بزرگ حسابرسی تغییر داده باشند، پدیده نرخ شکنی رخ می‌دهد.

***** این یافته‌ها مبتنی بر داده‌های سطح کل بازار و بدون در نظر گرفتن عوامل محیطی می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان دهنده عدم وقوع نرخ شکنی در حسابرسی نخستین می‌باشد. اما رابطه معناداری بین حق‌الزحمه و حق‌الزحمه‌های سال‌های آتی مشاهده نمی‌شود.

با توجه به جدول ۱ مشخص می‌گردد که در کشورهای مختلف و حتی در برخی از کشورها طی دوره زمانی مختلف، نتایج حامی نظریه‌های متفاوت می‌باشند. شاید بتوان یکی از دلایل نتایج متناقض را عدم توجه به یکسری از عوامل دانست که طی زمان یا مکان تغییر می‌کنند. به‌طور کلی، عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی به دو گروه عوامل مربوط به عرضه‌کنندگان خدمات حسابرسی و عوامل مربوط به متقاضیان خدمات حسابرسی تقسیم می‌شود. در پژوهش حاضر سعی شده است از مجموعه این عوامل، عواملی مورد بررسی قرار گیرد که از لحاظ قدرت چانه‌زنی و رقابت متفاوت باشند. لذا بررسی تأثیر عواملی همچون نوع شرکت صاحبکار، میزان رقابت و طبقه شرکت بوری بر قدرت تبیین نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین مسأله پیش رو در این پژوهش است.

۲-۳- تحلیل در بافتار بازار بورس و فرابورس

با توجه به شرایط پذیرش شرکت‌ها در بازار بورس ایران مشاهده می‌شود که حداقل سرمایه ثبت شده، حداقل تعداد سهامداران و نسبت حقوق صاحبان سهام به کل دارایی به ترتیب ۱۰۰۰ میلیارد ریال، ۱۰۰۰ نفر و ۳۰٪ می‌باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۶). این در حالی است که شرایط پذیرش شرکت‌ها در فرابورس ایران در رابطه با این موارد به ترتیب ۱۰ میلیارد ریال، ۲۰۰ نفر و ۱۵٪ می‌باشد (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۸۸). همچنین بدیهی است که سایر شرکت‌های ثبت شده نزد سازمان (ناشران غیربورسی و غیرفرابورسی) و ثبت نشده نزد سازمان نیز از شرکت‌های فرابورسی کوچک‌تر می‌باشند. لذا می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌های بورسی نسبت به شرکت‌های غیربورسی (فرابورسی)، ثبت شده نزد سازمان و ثبت نشده نزد سازمان) بزرگ‌تر می‌باشند.

شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل داشتن حجم معاملات بیش‌تر و مانده حساب‌های بزرگ‌تر به زمان بیش‌تری برای رسیدگی نیاز دارند (سیمونیک^{۳۲}، ۱۹۸۰؛ دی‌فوند^{۳۳} و همکاران، ۲۰۰۰؛ های^{۳۴} و همکاران، ۲۰۰۶). لذا با افزایش اندازه شرکت صاحبکار، حق‌الزحمه حسابرسی نیز افزایش می‌یابد (نیک بخت و تنانی، ۱۳۸۹). بنابراین مؤسسات حسابرسی برای کسب منافع مورد انتظار صاحبکاران بزرگ با هم به رقابت می‌پردازند (بامول^{۳۵}، ۱۹۸۲). با این وصف انتظار وقوع پدیده نرخ شکنی در حق‌الزحمه حسابرسی نخستین در این نوع شرکت‌ها وجود دارد (همخوانی با نظریه دی‌آنجلو).

پیل (۲۰۱۳) در پژوهشی به بررسی قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین پرداخته است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که همواره حسابرسی نخستین در شرکت‌های بزرگ با تخفیف همراه است و شواهدی از بهبود مبلغ حق‌الزحمه در دوره‌های آتی نیز به چشم می‌خورد (حامی نظریه دی‌آنجلو). علاوه بر موارد مذکور این پژوهش نشان می‌دهد از آنجا که حسابرسی شرکت‌های کوچک

منافع نسبتاً کمی را برای حسابرس به دنبال دارد لذا رغبت کمتری برای جذب حسابرسی این نوع شرکتها وجود دارد. در نتیجه مشتریان کوچکتر از تخفیفات این تغییرات بهره‌ای نمی‌برند (حامی نظریه دای). بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده فرضیه‌های زیر قابل توضیح است:

فرضیه ۱: در شرکت‌های بورسی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است.

فرضیه ۲: در شرکت‌های غیربورسی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه‌های بعدی بالاتر است.

با رشد رقابت در حرفه، مؤسسات حسابرسی ضرورت ارائه خدمات با کیفیت هر چه بهتر و بهای کمتر به بازار را بیش‌تر دریافته‌اند. لذا برای رقابت بر پایه‌ای به غیر از کیفیت و متفاوت کردن خدمات، مؤسسات حسابرسی به دنبال بهینه نمودن حق الزحمه خود و بهترین پیشنهادها برای آن هستند. بدین ترتیب که هم درآمد خود را حداکثر سازند و هم کار را در شرایط رقابتی از دست ندهند (چوی^{۳۶} و همکاران، ۲۰۰۸).

جانستون^{۳۷}، بدارد^{۳۸} و اترج^{۳۸} (۲۰۰۴) به این نتیجه رسیدند که در وضعیت رقابتی، ارتباط معنادارتری بین محرک‌های هزینه و تلاش برنامه‌ریزی شده وجود دارد. همچنین در وضعیت رقابتی، با افزایش تلاش برنامه‌ریزی شده، حق الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد. بنابراین، انتظار می‌رود که در فضای رقابتی حق الزحمه‌های حسابرسی نخستین کم‌تر از حق الزحمه‌های سال‌های آتی باشد (همخوانی با نظریه دی آنجلو).

لونتیس^{۳۹}، ویتمن^{۴۰} و کارامانیس^{۴۱} (۲۰۱۱) با در نظر گرفتن هزینه حسابرسی شرکت‌ها به عنوان هزینه نمایندگی به بررسی رابطه بین رقابتی بودن بازار محصول و هزینه‌های نمایندگی در یونان پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ساعات انجام حسابرسی و همچنین هزینه حسابرسی دارای یک رابطه معکوس و معنادار با رقابتی بودن بازار محصول می‌باشد. به عبارت دیگر، رقابتی بودن بازار محصول باعث کاهش هزینه حسابرسی به عنوان نمادی از هزینه‌های نمایندگی می‌گردد (حامی نظریه دی آنجلو). با توجه به مطالب ذکر شده فرضیه‌های زیر مطرح می‌گردد:

فرضیه ۳: در فضای رقابتی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است.

فرضیه ۴: در فضای کم‌تر رقابتی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه‌های بعدی بالاتر است.

کاسترلا^{۴۲}، فرانسیس، لوپس^{۴۳} و والکر^{۴۳} (۲۰۰۴) حق الزحمه اضافی را تنها برای مشتریان کوچک مشاهده کردند، زیرا این مشتریان قدرت چانه‌زنی کم‌تری دارند. همچنین هرچه اندازه شرکت‌های

تحت حسابرسی بزرگ‌تر می‌شود حق‌الزحمه حسابرسی کاهش می‌یابد، زیرا قدرت چانه‌زنی آن‌ها افزایش می‌یابد.

کارسون^{۴۴} و فارگر^{۴۵} (۲۰۰۷) نیز با تمرکز بر قدرت چانه‌زنی در حوزه حق‌الزحمه حسابرسان متخصص در یک صنعت دریافتند که شرکت‌های صنعتی کوچک بر عکس شرکت‌های صنعتی بزرگ حق‌الزحمه حسابرسان را متناسب با تخصص صنعتی آن‌ها می‌پردازند و معتقدند شرکت‌های بزرگ، قدرت چانه‌زنی بالایی دارند و این مزیت سبب می‌شود که حق‌الزحمه بالای ناشی از تخصص صنعتی حسابرسان را خنثی کنند.

واضح است که مبنای تعیین و ارزیابی حق‌الزحمه حسابرسی، ساعات کار بودجه شده از سوی حسابرسان است؛ اما آنچه امروزه مرسوم است، توان چانه‌زنی تعیین‌کننده بهای این خدمت ارزنده است (احمدزاده، ۱۳۹۱). در واقع توان چانه‌زنی، توانایی نسبی شرکت‌ها در اعمال نفوذ در یکدیگر و توانایی اثرگذاری در شرایط معاملات تعریف شده است (کردستانی و غلامی روچی، ۱۳۹۲).

از طرف دیگر، ماده ۶ دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار بیان می‌دارد، «شرکت مکلف است با توجه به طبقه خود که بر حسب معیارهای ذکر شده در ماده ۵ تعیین می‌شود، حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی را از میان مؤسسات حسابرسی معتمد که در همان طبقه یا طبقات بالاتر قرار دارند، انتخاب نماید» (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱). بنابراین می‌توان گفت که در انجام حسابرسی شرکت‌هایی که طبقه بالاتری دارند رقابت بین مؤسسات حسابرسی کم‌تر می‌باشد چرا که مؤسسات حسابرسی کم‌تری قادر به حسابرسی آن شرکت‌ها می‌باشند.

بنابراین با توجه به نتایج پژوهش‌های مذکور و اینکه شرکت‌های بورسی با طبقه بالاتر از توان چانه‌زنی بالاتری نسبت به شرکت‌های بورسی با طبقه پایین برخوردار هستند و همچنین با افزایش طبقه شرکت، رقابت بین مؤسسات حسابرسی معتمد بورس کاهش می‌یابد. بنابراین بیان فرضیه‌های زیر منطقی به نظر می‌رسد:

فرضیه ۵: در شرکت‌های بورسی با طبقه بالا، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی بالاتر است.

فرضیه ۶: در شرکت‌های بورسی با طبقه پایین، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است.

در توضیح فرضیه‌های فوق، چنانچه رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و حسابرسی نخستین منفی باشد، نشان دهنده وقوع پدیده نرخ شکنی و در نتیجه تأیید کننده نظریه دی آنجلو (۱۹۸۱) می‌باشد.

اما چنانچه رابطه مذکور مثبت باشد، بالاتر بودن حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه‌های سال‌های آتی را نشان می‌دهد که با نظریه دای (۱۹۹۱) همخوانی دارد.

۳- روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیر بورسی ایران می‌باشد که شرایط زیر را دارا باشند: الف) عضو شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها و مؤسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. ب) در فاصله زمانی ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ جزء شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران یا شرکت‌های غیربورسی ایران بوده باشند و پ) کلیه داده‌های مورد نیاز تحقیق برای آن شرکت‌ها در طی دوره زمانی تحقیق، موجود و در دسترس باشد.

منظور از شرکت‌های غیربورسی در این پژوهش تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در فرابورس ایران، ثبت شده نزد سازمان (ناشر غیربورسی و غیرفرابورسی) و ثبت نشده نزد سازمان می‌باشد، که اطلاعات آن‌ها در شبکه کدال قابل رویت می‌باشد. با مد نظر قرار دادن محدودیت‌های فوق، جامعه آماری این تحقیق شامل ۹۹۷ سال- شرکت می‌باشد. از آنجا که کاهش نمونه منجر به تحت الشعاع قرار گرفتن کل نتایج می‌گردد بنابراین کل جامعه در دسترس، مورد بررسی قرار گرفته است.

۴- مدل مورد استفاده در پژوهش

برای آزمون پژوهش همانند آزمون پیل (۲۰۱۳) از الگوی رگرسیون چندگانه زیر برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است:

$$\begin{aligned} LNAFEE = & \beta_0 + \beta_1 LNIL_{it} + \beta_2 INVREC_{it} + \beta_3 LOSS_{it} + \beta_4 TLTA_{it} + \beta_5 CURRENT_{it} + \\ & \beta_6 QUAL_{it} + \beta_7 RETSAL_{it} + \beta_8 FAIL_{it} + \beta_9 BUSY_{it} + \beta_{10} BIG_{it} + \beta_{11} ADDRESS + \\ & \beta_{12} TYPEFEE + \sum \beta_{13} INDUS_{jit} + \sum \beta_{14} YEAR_{kit} + \beta_{15} SWITCH_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

که در آن $LNAFEE$ ، لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی؛ $LNIL$ ، لگاریتم طبیعی متوسط ارزش دفتری دارایی‌ها و فروش؛ $INVREC$ ، نسبت مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی به جمع دارایی‌ها؛ $LOSS$ ، یک اگر شرکت زیان ده باشد، صفر در غیر این صورت؛ $TLTA$ ، نسبت جمع بدهی‌ها به جمع دارایی‌های پایان سال؛ $CURRENT$ ، نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری؛ $QUAL$ ، یک اگر شرکت گزارش حسابرسی تعدیل شده داشته باشد، صفر در غیر این صورت؛ $RETSAL$ ، نسبت سود عملیاتی به فروش‌ها؛ $FAIL$ ، یک اگر شرکت مشمول ماده ۱۴۱ باشد، صفر

در غیر این صورت؛ BUSY، یک اگر پایان سال شرکت ۲۹ اسفند باشد، صفر در غیر این صورت؛ BIG، یک اگر مؤسسه حسابرسی در رتبه الف جامعه حسابداران رسمی جای گرفته باشد صفر در غیر این صورت؛ ADDRESS، اگر دفتر مرکزی مؤسسه حسابرسی در تهران باشد، صفر در غیر این صورت؛ TYPEFEE، یک اگر حق الزحمه حسابرسی تنها مربوط به خدمات حسابرسی باشد، صفر در غیر این صورت؛ INDUS_j، یک اگر متغیر مربوط به صنعت j ام باشد، صفر در غیر این صورت؛ YEAR_k، یک اگر متغیر مربوط به سال k ام باشد، صفر در غیر این صورت؛ SWITCH، یک اگر حسابرسی تغییر کرده باشد (حسابرسی نخستین باشد)، صفر در غیر این صورت؛ i نماد شرکت مورد نظر و t نماد سال مورد نظر است.

۵- اندازه گیری متغیرهای تحقیق

۵-۱- متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، حق الزحمه حسابرسی است که برای محاسبه آن همچون پژوهش‌های پیشین (کارسون و همکاران، ۲۰۱۲؛ کوه^{۴۶}، تانگ^{۴۷} و ژو^{۴۸}، ۲۰۱۶؛ رجبی و محمدی خشوئی، ۱۳۸۷؛ نیک‌بخت و تنانی، ۱۳۸۹ و واعظ، احمدی و رشیدی باغی، ۱۳۹۳) از لگاریتم طبیعی حق الزحمه حسابرسی استفاده شده است. همچنین اطلاعات مربوط به حق الزحمه حسابرسی از یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی بخش هزینه‌های اداری استخراج شده است.

۵-۲- متغیر مستقل

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش همانند پژوهش پیل (۲۰۱۳) از متغیر مصنوعی SWITCH استفاده شده است. بدین ترتیب که اگر حسابرسی نسبت به سال قبل تغییر کرده باشد یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شده است. استفاده از این متغیر مصنوعی، امکان بررسی چگونگی قیمت‌گذاری حق الزحمه حسابرسی نخستین و سنوات بعد از حسابرسی نخستین را فراهم می‌آورد.

۵-۳- متغیرهای کنترلی

متغیرهای کنترلی مورد استفاده در این پژوهش بر اساس نتایج پژوهش‌ها در زمینه عوامل تأثیرگذار بر حق الزحمه حسابرسی انتخاب گردیده و به عنوان معیارهایی برای اندازه‌گیری اندازه صاحبکار، پیچیدگی عملیات، ریسک تجاری صاحبکار و سایر موارد می‌باشند (سیمونیک، ۱۹۸۰؛

هی و همکاران، ۲۰۰۶؛ و هوانگ^{۴۹} و همکاران، ۲۰۰۹. پونگ و ویتینگتون (۱۹۹۴)، رسیدگی به معاملات و تأیید دارایی‌ها را دو بعد گسترده حسابرسی برمی‌شمارند، که منطقیاً بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار می‌باشند. بنابراین در این پژوهش همچون پژوهش پورحیدری و گل‌محمدی شورکی (۱۳۹۴)، از متغیر لگاریتم طبیعی متوسط ارزش دفتری دارایی‌ها و فروش (LNIL) برای سنجش اندازه شرکت استفاده شده است. پژوهش‌های قبلی (سیمونیک، ۱۹۸۰؛ دی فوند و همکاران، ۲۰۰۰؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶) نشان داده‌اند که شرکت‌های بزرگ‌تر به دلیل داشتن حجم معاملات بیش‌تر و مانده حساب‌های بزرگ‌تر، نیازمند زمان بیش‌تری برای رسیدگی می‌باشند. بنابراین انتظار وجود رابطه مثبت بین این متغیر و حق‌الزحمه حسابرسی وجود دارد.

هی و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که با افزایش پیچیدگی عملیات صاحبکار، زمان و تخصص بیش‌تری برای حسابرسی آن لازم است. در این پژوهش، برای اندازه‌گیری پیچیدگی عملیات همانند، پژوهش هی و همکاران (۲۰۰۶) از نسبت مجموع موجودی کالا و حساب‌های دریافتی به جمع دارایی‌ها (INVREC) استفاده شده و انتظار می‌رود که این متغیر رابطه مثبتی با حق‌الزحمه حسابرسی داشته باشد.

نایمی^{۵۰} (۲۰۰۲) نشان داد که حتی با محدود بودن ریسک حقوقی، ریسک تجاری صاحبکار بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است. بر این اساس، در این پژوهش همانند مطالعه نایمی (۲۰۰۲) از متغیرهای سودآوری (LOSS)؛ اهرم مالی (TLTA) و نسبت جاری (CURRENT) برای اندازه‌گیری قسمتی از ریسک تجاری صاحبکار استفاده شده است. همچنین با پیروی از پژوهش پالمروس^{۵۱} (۱۹۸۶) متغیر QUAL و پژوهش چان^{۵۲} و همکاران، (۱۹۹۳) و فرس^{۵۳} (۱۹۹۷) متغیر RETSAL نیز برای سنجش ریسک تجاری صاحبکار به مدل افزوده شده است و از آنجا که احتمال ورشکستگی، ریسک حسابرسی را افزایش می‌دهد و بعبارتی در حق‌الزحمه مؤثر می‌باشد لذا متغیر FAIL نیز در مدل گنجانده شده است (بیتی^{۵۴}، ۱۹۹۳؛ کلاتورثی^{۵۵} و پیل، ۲۰۰۷).

از متغیر فصل شلوغی کار (BUSY) برای کنترل محدودیت پرسنلی مؤسسات حسابرسی در فصل شلوغی کار استفاده شده است. انتظار می‌رود که میزان حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌های با پایان سال مالی در دوره شلوغی کار حسابرسی، بالاتر از حق‌الزحمه حسابرسی سایر شرکت‌ها باشد (چنی^{۵۶}، جتر^{۵۷} و شیوکار^{۵۸}، ۲۰۰۴). از آنجا که پایان سال مالی بسیاری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ۲۹ اسفند می‌باشد، انتظار می‌رود که در این مقطع تقاضا برای حسابرسی مستقل صورت‌های مالی بیش‌تر از مقاطع زمانی دیگر باشد. بنابراین، در این پژوهش از متغیر BUSY برای شناسایی شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفند است، استفاده شده و رابطه‌ای مثبت بین این متغیر و حق‌الزحمه حسابرسی پیش‌بینی می‌شود.

پژوهش‌های فراوانی وجود رابطه میان نوع حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را نشان داده‌اند (سیمونیک، ۱۹۸۰؛ هی و همکاران، ۲۰۰۶؛ کارسون و همکاران، ۲۰۱۲). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مؤسسات بزرگ بین‌المللی حسابرسی، حق‌الزحمه بالاتری را نسبت به سایر مؤسسات دریافت داشته و این حق‌الزحمه اضافی مربوط به نام تجاری و یا قدرت بازار این مؤسسات می‌باشد (کامرن^{۵۹}، ۲۰۰۵). بنابراین با توجه به بازار حسابرسی ایران از متغیر BIG جهت کنترل این مورد استفاده شده است.

همچنین به منظور کنترل تأثیر آدرس مؤسسه حسابرسی و نوع حق‌الزحمه حسابرسی به ترتیب از دو متغیر ADDRESS و TYPEFEE بهره گرفته شده است. علاوه بر این متغیرها، در بررسی عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی کنترل اثر نوع صنعت به دلیل تفاوت‌های موجود میان صنایع از نظر قوانین و مقررات و سطوح ریسک (جاب^{۶۰}، هگتون و باترورث، ۱۹۹۶) و همچنین اثر سال مالی به دلیل تغییرات نرخ تورم ضروری می‌باشد. بر این اساس، در این پژوهش از متغیرهای مصنوعی نوع صنعت (INDUS) و سال مالی (YEAR) استفاده شده است.

برای اندازه‌گیری میزان رقابت بین مؤسسات حسابرسی همانند تحقیقات گرالون^{۶۱} و می‌چلی^{۶۲} (۲۰۰۷)؛ هی^{۶۳} (۲۰۰۹)؛ لی^{۶۴} (۲۰۱۰)؛ غفارلو (۱۳۹۰) و نمازی و ابراهیمی (۱۳۹۱) از شاخص هرفیندال استفاده گردیده است. این شاخص بین عدد صفر و یک در نوسان است. هر چه به عدد صفر نزدیک‌تر شود، کاهش تمرکز و افزایش رقابت را نشان می‌دهد و از طریق مدل ۲ قابل محاسبه می‌باشد:

$$\text{Herfindahl Index} = \sum_{i=1}^n \left[\frac{S_i}{S} \right]^2 \quad (2)$$

که در مدل ۲، S_i : حق‌الزحمه حسابرسی مؤسسه i ام، S : مجموع حق‌الزحمه کل مؤسسات حسابرسی در سال t ام و N تعداد کل مؤسسات حسابرسی می‌باشد.

همچنین برای تعیین طبقه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، طبق ماده ۵ دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس اوراق بهادار، کلیه اشخاص حقوقی مشمول ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد، بر اساس معیارهای میانگین جمع دارایی‌ها و درآمد فروش، ارزش بازار و تعداد کارکنان، به چهار گروه "اول"، "دوم"، "سوم" و "چهارم" طبقه‌بندی می‌شوند (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر، به منظور طبقه‌بندی شرکت‌های بورسی از محتوای جدول موجود در این ماده استفاده شده است.

۶- آمار توصيفى

نتايج حاصل از آمار توصيفى مندرج در جدول ۲ گويای اين مطلب است كه اختلاف ميانگين بين حق الزحمه حسابرسى نخستين و حق الزحمه حسابرسى سالهاى آتى در شركتهاى بورسى و غيربورسى، فضاى كم تر رقابتى و شركتهاى بورسى با طبقه بالا و پايين معنادار و همواره پديده نرخ شكنى رخ مى دهد. اين در حالى است كه در فضاى بيش تر رقابتى اختلاف ميانگين بين حق الزحمه حسابرسى نخستين و حق الزحمه حسابرسى سالهاى آتى معنادار نمى باشد.

جدول ۲- آمار توصيفى - ميانگين

طبقه شركت بورسى		ميزان رقابت		نوع شركت صاحبكار		حق الزحمه:
طبقه بالا	طبقه پايين	بيش تر رقابتى	كم تر رقابتى	بورسى	غيربورسى	
۴۳۱	۹۶۹	۳۹۰	۶۶۴	۳۹۹	۶۹۰	نخستين
۵۳۵	۱,۶۶۲	۸۴۳	۸۹۴	۵۶۶	۱,۰۵۷	يعدى
-۱۰۴	-۶۹۳	-۴۵۳	-۲۳۰	-۱۶۷	-۳۶۷	اختلاف
۰/۰۰۹*	۰/۰۱۴*	۰/۰۰۰*	۰/۰۹۶	۰/۰۰۹*	۰/۰۰۶*	سطح معنادارى

*معنادارى در سطح خطاى ۵٪ را نشان مى دهد.

منبع: يافتههاى پژوهشگر

همچنين جدول ۳ مقدار ميانگين متغيرهاى استفاده شده در تجزيه و تحليل پژوهش حاضر را براساس طبقات گوناگون از جمله نوع شركت صاحبكار، ميزان رقابت و طبقه شركت بورسى گزارش مى كند. به عنوان مثال، در طبقه بندى نمونه براساس نوع شركت صاحبكار، با مقايسه ميانگين لگارىتم طبيعى حق الزحمه حسابرسى مشخص مى گردد كه مطابق با انتظارات موجود لگارىتم طبيعى حق الزحمه حسابرسى در شركتهاى بورسى بالاتر از شركتهاى غيربورسى مى باشد و سطح معنادارى ارائه شده در اين قسمت حاكى از وجود تفاوت معنادار بين ميانگين لگارىتم طبيعى حق الزحمه در دو گروه (بورسى و غيربورسى) مى باشد. نتايج جدول ۳ طبق روال مذكور نشان مى دهد كه براساس طبقه بندىهاى صورت گرفته برخى از متغيرها داراى اختلاف ميانگين معنادار هستند (موارد مذكور با * در جدول مشخص گرديده است).

جدول ۳- آمار توصیفی - میانگین

طبقه شرکت بورسی				میزان رقابت				نوع شرکت صاحبکار				
سطح معناداری	اختلاف	طبقه پایین	طبقه بالا	سطح معناداری	اختلاف	کم تر رقابتی	بیش تر رقابتی	سطح معناداری	اختلاف	غیر بورسی	بورسی	
۰/۰۰۰*	۰/۷۶	۱۹/۹۳	۲۰/۶۹	۰/۱۶۲	۰/۰۹	۱۹/۹۲	۲۰/۰۱	۰/۰۰۰*	۰/۵۷	۱۹/۶۳	۲۰/۲۰	لگاریتم حق الزحمه
۰/۰۰۰*	۱/۶۸	۱۲/۷۰	۱۴/۳۸	۰/۰۰۰*	۰/۴۰	۱۲/۷۸	۱۳/۱۸	۰/۰۰۰*	۰/۷۰	۱۲/۶۰	۱۳/۳۰	لگاریتم دارایی
۰/۲۲۶	-۰/۰۲	۰/۴۵	۰/۴۳	۰/۰۴۱*	-۰/۰۳	۰/۴۲	۰/۳۹	۰/۰۰۰*	۰/۰۹	۰/۳۶	۰/۴۵	نسبت موجودی و حساب‌های دریافتی
۰/۰۶۵	۰/۰۹	۰/۵۳	۰/۶۲	۰/۱۳۳	-۰/۰۵	۰/۶۲	۰/۵۷	۰/۰۳۰*	-۰/۰۷	۰/۶۳	۰/۵۶	توع گزارش حسابرس
۰/۳۴۴	۱۰/۷۴	-۱۰/۶۰	۰/۱۴	۰/۶۳۷	۴/۷۷	-۱۰/۱۱	-۵/۳۴	۰/۱۲۳	۱۹/۵۰	-۱۹/۳۶	۰/۱۴	نسبت سود عملیاتی
۰/۱۴۱	-۰/۰۴	۰/۱۴	۰/۱۰	۰/۲۲۶	۰/۰۳	۰/۱۹	۰/۲۲	۰/۰۰۰*	-۰/۱۷	۰/۳۰	۰/۱۳	زیان دهی
۰/۵۲۸	۰/۰۶	۱/۴۴	۱/۵۰	۰/۰۶۳	-۱/۴۱	۳/۲۲	۱/۸۱	۰/۰۰۵*	-۲/۲۸	۳/۷۴	۱/۴۶	نسبت دارایی به بدهی جاری
۰/۴۵۲	-۰/۰۱	۰/۶۶	۰/۶۵	۰/۷۳۵	۰/۰۱	۰/۶۸	۰/۶۹	۰/۰۵۳	-۰/۰۶	۰/۷۲	۰/۶۶	اهرم مالی
۰/۰۰۰*	-۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۰۵	۰/۴۳۴	-۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۱۵	۰/۰۰۰*	-۰/۱۱	۰/۲۲	۰/۱۱	شمول ماده ۱۴۱
۰/۰۰۰*	-۰/۱۵	۰/۸۳	۰/۶۸	۰/۰۰۰*	-۰/۱۰	۰/۸۰	۰/۷۰	۰/۰۲۰*	۰/۰۷	۰/۷۱	۰/۷۸	پایان سال مالی
۰/۰۰۰*	۰/۱۷	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۵۲۸	-۰/۰۲	۰/۶۲	۰/۶۰	۰/۰۰۰*	۰/۱۲	۰/۵۵	۰/۶۷	بزرگی حسابرس
۰/۰۱۴*	۰/۰۵	۰/۹۱	۰/۹۶	۰/۴۱۱	-۰/۰۲	۰/۹۴	۰/۹۲	۰/۹۹۸	۰/۰۰	۰/۹۳	۰/۹۳	محل دفتر مرکزی
۰/۹۵۸	۰/۰۰	۰/۷۶	۰/۷۶	۰/۷۲۳	-۰/۰۱	۰/۷۵	۰/۷۴	۰/۱۷۱	۰/۰۴	۰/۷۲	۰/۷۶	دامنه حق الزحمه
۰/۳۵۴	-۰/۰۴	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۵۷	۰/۰۴	۰/۲۴	۰/۲۸	۰/۰۱۸*	-۰/۰۷	۰/۳۰	۰/۲۳	حسابرسی نخستین

*معناداری در سطح خطای ۵٪ را نشان می‌دهد.

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- آزمون فرضیه‌ها

روش مورد استفاده در این پژوهش رگرسیون چند متغیره می‌باشد. در پژوهش حاضر از آزمون فیشر جهت بررسی معناداری کل مدل استفاده شده است. با توجه به نتایج حاصل، می‌توان نتیجه گرفت که مدل تحقیق معنادار است؛ زیرا مقدار سطح خطای احتمال مربوط به آماره F در کلیه جداول زیر کم‌تر از یک درصد می‌باشد. در نتیجه، حتی در سطح اطمینان ۹۹ درصد نیز مدل معنادار می‌باشد. همچنین از آزمون t جهت بررسی معناداری هریک از متغیرها بهره گرفته شده است و نتایج حاصل از این آزمون به همراه سایر اطلاعات در جداول ذیل گنجانده شده است.

جدول ۴ نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش را نشان می‌دهد. تحلیل یافته‌های مربوط به فرضیه اول مبنی بر اینکه در شرکت‌های بورسی حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است، نشان می‌دهد که تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در جامعه آماری این پژوهش ۴۸۴ سال - شرکت می‌باشد. ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مدل قابل توضیح است. همچنین با توجه به سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین که کم‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که تغییر حسابرسی (حسابرسی نخستین) بر میزان حق‌الزحمه حسابرسی مؤثر می‌باشد و از طرف دیگر با توجه به منفی بودن ضریب این متغیر، می‌توان به وجود رابطه معکوس بین این متغیر با حق‌الزحمه حسابرسی پی برد. بعبارت دیگر نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های بورسی حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه حسابرسی سال‌های بعدی کم‌تر است.

همچنین در بررسی یافته‌های فرضیه دوم مبنی بر اینکه در شرکت‌های غیربورسی حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی بالاتر است، مشاهده می‌شود که تعداد شرکت‌های غیر بورسی در جامعه آماری این پژوهش و ضریب تعیین تعدیل شده به ترتیب ۲۸۴ سال - شرکت و ۵۰ درصد می‌باشد. بعلاوه با توجه به سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین که برابر با ۰,۰۳۳ و کم‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد و با در نظر گرفتن ضریب منفی آن می‌توان به وجود رابطه معنادار و معکوس بین حق‌الزحمه و حسابرسی نخستین پی برد. همانطور که در تحلیل نتایج جدول ۴ بیان شده است نتایج حاصل از شرکت‌های بورسی و غیر بورسی حامی وقوع پدیده نرخ شکنی و به بیان دیگر حامی نظریه دی‌آنجلو (۱۹۸۱) می‌باشند.

جدول ۴- نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم تحقیق و جزئیات آماره‌ها

فرضیه ۱			فرضیه ۲			
MV ₁ =1 (شرکت از نوع پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار باشد)			MV ₁ =0 (شرکت از نوع غیربورسی باشد)			
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	۴۰/۵۵۱	۱۴/۷۳۵	۰/۰۰۰	۲۹/۱۱۸	۱۴/۵۶۳	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۱۶/۶۶۵	۰/۴۰۴	۰/۰۰۰	۸/۵۹۰	۰/۳۰۶	لگاریتم دارایی
۰/۶۹۹	-۰/۳۸۷	-۰/۰۶۲	۰/۰۰۰	۴/۳۱۲	۰/۷۴۰	نسبت موجودی و حساب‌های دریافتنی
۰/۰۰۳	-۳/۰۳۰	-۰/۱۸۲	۰/۰۹۲	-۱/۶۹۱	-۰/۱۶۹	توع گزارش حسابر
۰/۱۵۰	-۱/۴۴۲	-۰/۱۹۰	۰/۰۰۳	۳/۰۴۴	۰/۰۰۰	نسبت سود عملیاتی
۰/۳۱۱	-۱/۰۱۴	-۰/۱۱۷	۰/۷۶۵	۰/۲۹۹	۰/۰۳۳	زیان دهی
۰/۶۲۶	-۰/۴۸۸	-۰/۰۱۹	۰/۴۹۷	۰/۶۸۰	۰/۰۰۳	نسبت دارایی به بدهی جاری
۰/۴۷۰	-۰/۷۲۴	-۰/۱۰۴	۰/۰۲۵	۲/۲۵۱	۰/۲۳۲	اهرم مالی
۰/۰۳۵	۲/۱۲۰	۰/۲۹۰	۰/۵۸۳	۰/۵۴۹	۰/۰۷۴	شمول ماده ۱۴۱
۰/۴۴۸	-۰/۷۶۰	-۰/۰۶۰	۰/۰۸۳	۱/۷۳۹	۰/۱۸۲	پایان سال مالی
۰/۰۰۰	۴/۶۹۵	۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۳/۸۳۱	۰/۳۵۷	بزرگی حسابر
۰/۰۲۶	۲/۲۳۲	۰/۲۵۰	۰/۰۰۰	۴/۰۲۳	۰/۶۰۵	محل دفتر مرکزی
۰/۰۰۱	-۳/۳۴۹	-۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	-۴/۰۸۹	-۰/۳۹۳	دامنه حق الزحمه
۰/۰۰۰	-۳/۳۴۵	-۰/۲۲۴	۰/۰۳۳	-۱/۸۴۸	-۰/۱۶۲	حسابرسی نخستین
	۴۸۴			۲۸۴		مشاهدات
	۰/۵۴۹			۰/۵۰۱		ضریب تعیین تعدیل شده
	۲۷/۶۹۱			۱۳/۹۳۶		آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		سطح معنا داری F

اثرات زمانی و مقطعی در مدل لحاظ شده است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۵ نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش را نشان می‌دهد. نتایج حاصل از فرضیه سوم مبنی بر اینکه در فضای رقابتی حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است، نشان می‌دهد که تعداد ۳۹۶ سال- شرکت از جامعه آماری این پژوهش فضای بیش‌تر رقابتی را در زمینه کسب خدمات حسابرسی تجربه نموده‌اند. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده ۴۸ درصد می‌باشد و با توجه به سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین که برابر ۰,۱۴۶ و بزرگ‌تر از ۰,۰۵ می‌باشد می‌توان نتیجه گرفت که در فضای بیش‌تر رقابتی، تغییر حسابر

(حسابرسی نخستین) بر میزان حق الزحمه حسابرسی مؤثر نمی باشد. به عبارت دیگر نتایج نشان می دهد که در فضای رقابتی بین حق الزحمه حسابرسی نخستین و حق الزحمه حسابرسی سال های آتی تفاوت معناداری وجود ندارد.

همچنین یافته های فرضیه چهارم مبنی بر اینکه در فضای کم تر رقابتی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه های بعدی بالاتر است، نشان می دهد که ۳۷۲ سال - شرکت از جامعه آماری این پژوهش فضای کم تر رقابتی را در زمینه کسب خدمات حسابرسی تجربه نموده اند. در این حوزه، ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته از طریق متغیرهای مدل قابل توضیح است. افزون بر این، با توجه به سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین که برابر ۰,۰۰۰ و کم تر از ۰,۰۵ می باشد و با توجه به منفی بودن ضریب متغیر مذکور می توان به وجود رابطه معنادار و معکوس بین این متغیر با حق الزحمه حسابرسی پی برد. به عبارت دیگر نتایج نشان می دهد که در فضای کم تر رقابتی حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه حسابرسی سال های بعدی کم تر است. به طور کلی مندرجات جدول ۵ نشان می دهد که در فضای بیش تر رقابتی تفاوت معناداری بین حق الزحمه حسابرسی نخستین و سال های آتی وجود ندارد. این در حالی است که در فضای کم تر رقابتی نتایج حامی وقوع نرخ شکنی و در واقع حامی نظریه دی آنجلو (۱۹۸۱) می باشد.

جدول ۶ نتایج آزمون فرضیه های پنجم و ششم پژوهش را نشان می دهد. در تحلیل نتایج فرضیه پنجم، مبنی بر اینکه در شرکت های بورسی با طبقه بالا، حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه های بعدی بالاتر است، می تون ادعا کرد که تعداد شرکت های بورسی با طبقه بالا در جامعه آماری این پژوهش ۱۶۸ سال - شرکت می باشد. ضریب تعیین تعدیل شده در این قسمت ۶۲ درصد می باشد. همچنین سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین برابر ۰,۰۰۳ و کم تر از ۰,۰۵ می باشد. از طرف دیگر ضریب متغیر مذکور منفی است. لذا از این مطلب وجود رابطه معنادار و معکوس بین حق الزحمه و حسابرسی نخستین نتیجه می شود. به عبارت دیگر نتایج نشان می دهد که در شرکت های بورسی با طبقه بالا حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه حسابرسی سال های بعدی کم تر است.

جدول ۵- نتایج آزمون فرضیه‌های سوم و چهارم تحقیق و جزئیات آماره‌ها

فرضیه ۳			فرضیه ۴			
$MV_2=1$ (در فضای بیش‌تر رقابتی)			$MV_2=0$ (در فضای کم‌تر رقابتی)			
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	۳۲/۹۷۱	۱۵/۰۰۳	۰/۰۰۰	۳۹/۹۶۶	۱۳/۶۴۸	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۱۱/۲۰۳	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۱۶/۵۲۳	۰/۳۹۸	لگاریتم دارایی
۰/۰۰۱	۳/۳۷۹	۰/۶۱۵	۰/۲۵۷	۱/۱۳۵	۰/۱۶۵	نسبت موجودی و حساب‌های دریافتی
۰/۰۵۶	-۱/۹۱۸	-۰/۱۴۵	۰/۰۲۳	-۲/۲۹۲	-۰/۱۵۴	توع گزارش حسابرسی
۰/۰۲۸	۲/۲۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۴۰	۲/۰۵۷	۰/۰۰۰	نسبت سود عملیاتی
۰/۴۶۴	-۰/۷۳۲	-۰/۰۸۱	۰/۹۳۴	۰/۰۸۳	۰/۰۰۸	زیان دهی
۰/۲۶۱	۱/۱۲۵	۰/۰۴۶	۰/۴۲۰	۰/۸۰۷	۰/۰۰۴	نسبت دارایی به بدهی جاری
۰/۰۰۲	۳/۰۷۷	۰/۳۶۶	۰/۱۳۱	-۱/۵۱۵	-۰/۱۶۲	اهرم مالی
۰/۸۴۶	۰/۱۹۴	۰/۰۲۸	۰/۰۰۱	۳/۲۲۸	۰/۴۰۲	شمول ماده ۱۴۱
۰/۲۷۷	-۱/۰۸۹	-۰/۰۸۸	۰/۰۰۱	۳/۳۱۸	۰/۳۱۳	پایان سال مالی
۰/۰۰۰	۳/۶۷۰	۰/۲۷۷	۰/۰۰۰	۴/۳۰۶	۰/۳۰۴	بزرگی حسابرسی
۰/۱۰۹	۱/۶۰۷	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	۵/۲۵۵	۰/۶۶۱	محل دفتر مرکزی
۰/۰۰۰	-۵/۸۴۵	-۰/۴۷۶	۰/۰۹۱	-۱/۶۹۵	-۰/۱۱۹	دامنه حق الزحمه
۰/۱۴۶	-۱/۰۵۶	-۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	-۴/۹۸۱	۰/۳۶۶	حسابرسی نخستین
	۳۹۶			۳۷۲		مشاهدات
	۰/۴۷۸			۰/۶۲۷		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱۷/۴۳۹			۳۰/۷۴۶		آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		سطح معنا داری F

اثرات زمانی و مقطعی در مدل لحاظ شده است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همچنین یافته‌های فرضیه ششم مبنی بر اینکه در شرکت‌های بورسی با طبقه پایین، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی پایین‌تر است، نشان می‌دهند که تعداد شرکت‌های بورسی با طبقه پایین در جامعه آماری این پژوهش و ضریب تعیین تعدیل شده به ترتیب ۳۱۶ سال- شرکت و ۴۹ درصد می‌باشد. بعلاوه سطح معناداری متغیر حسابرسی نخستین که برابر ۰،۰۱۹ و کم‌تر از ۰،۰۵ است به همراه ضریب منفی آن، رابطه معنادار و معکوس بین حق‌الزحمه و حسابرسی نخستین را نشان می‌دهد. به بیان دیگر نتایج نشان می‌دهد که در

شرکت‌های بورسی با طبقه پایین حق الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق الزحمه حسابرسی سال‌های بعدی کم‌تر است. در واقع نتایج موجود در جدول ۶ در رابطه با هر دو نوع شرکت‌های بورسی با طبقه بالا و پایین با نظریه دی‌آنجلو (۱۹۸۱) همخوانی دارد.

جدول ۶- نتایج آزمون فرضیه‌های پنجم و ششم تحقیق و جزئیات آماره‌ها

فرضیه ۵			فرضیه ۶			
MV ₃ =1 (شرکت‌های بورسی با طبقه بالا)			MV ₃ =0 (شرکت‌های بورسی با طبقه پایین)			
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	۱۷/۱۱۳	۱۵/۴۴۵	۰/۰۰۰	۲۸/۲۹۹	۱۴/۲۵۸	عرض از مبدأ
۰/۰۰۰	۶/۸۷۳	۰/۳۷۰	۰/۰۰۰	۱۱/۱۵۱	۰/۴۱۴	لگاریتم دارایی
۰/۸۳۳	۰/۲۱۱	۰/۰۶۲	۰/۸۱۳	۰/۲۳۶	۰/۰۴۷	نسبت موجودی و حساب‌های دریافتی
۰/۰۰۰	-۳/۸۷۹	-۰/۴۱۶	۰/۲۴۲	-۱/۱۷۳	-۰/۰۸۲	توع گزارش حسابر
۰/۱۲۱	-۱/۵۶۰	-۰/۸۳۶	۰/۱۷۷	-۱/۳۵۳	-۰/۱۷۲	نسبت سود عملیاتی
۰/۶۹۸	-۰/۳۸۹	-۰/۰۸۳	۰/۰۶۱	-۱/۸۸۰	-۰/۲۴۲	زبان دهی
۰/۴۷۳	-۰/۷۲۰	-۰/۰۴۰	۰/۷۵۸	-۰/۳۰۹	-۰/۰۱۷	نسبت دارایی به بدهی جاری
۰/۶۵۹	۰/۴۴۲	۰/۱۸۶	۰/۶۹۲	-۰/۳۹۶	-۰/۰۶۰	اهرم مالی
۰/۱۶۲	۱/۴۰۵	۰/۴۴۷	۰/۵۷۰	۰/۵۶۹	۰/۰۸۱	شمول ماده ۱۴۱
۰/۳۳۹	-۰/۹۵۹	-۰/۱۳۵	۰/۰۱۴	۲/۴۶۶	۰/۲۳۲	پایان سال مالی
۰/۰۰۰	۴/۷۶۲	۰/۵۸۰	۰/۰۰۳	۳/۰۱۸	۰/۲۰۲	بزرگی حسابر
۰/۴۹۲	-۰/۶۸۹	-۰/۱۹۷	۰/۰۰۷	۲/۷۰۵	۰/۳۰۳	محل دفتر مرکزی
۰/۲۲۷	-۱/۲۱۴	-۰/۱۶۳	۰/۰۲۵	-۲/۲۵۵	-۰/۱۷۹	دامنه حق الزحمه
۰/۰۰۳	-۲/۷۷۵	-۰/۳۳۱	۰/۰۱۹	-۲/۰۷۶	-۰/۱۵۳	حسابرسی نخستین
	۱۶۸			۳۱۶		مشاهدات
	۰/۶۲۰			۰/۴۹۱		ضریب تعیین تعدیل شده
	۱۳/۳۶۴			۱۴/۸۲۶		آماره F
	۰/۰۰۰			۰/۰۰۰		سطح معناداری F

اثرات زمانی و مقطعی در مدل لحاظ شده است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۸- بحث و نتیجه‌گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی نخستین و حق‌الزحمه سال‌های آتی با توجه به تأثیر عوامل گوناگون همچون نوع شرکت صاحبکار، میزان رقابت و طبقه شرکت بورسی می‌باشد. به عبارت دیگر پژوهش حاضر به دنبال بررسی قدرت تبیین نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین در بازار حسابرسی ایران با توجه به تأثیر عوامل گوناگون می‌باشد. تحقیق حاضر با استفاده از اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شرکت‌های غیر بورسی ایران طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۳ نشان داد که نوع شرکت صاحبکار (فرضیه‌های اول و دوم) در قدرت تبیین نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین مؤثر نمی‌باشد و در هر دو نوع شرکت، حق‌الزحمه حسابرسی نخستین نسبت به حق‌الزحمه‌های بعدی کم‌تر می‌باشد. بعبارت دیگر در هر دو نوع شرکت پدیده نرخ شکنی رخ می‌دهد (تأیید نظریه دی‌آنجلو). نتایج حاصل در ارتباط با شرکت‌های بورسی با نتایج پژوهش پیل (۲۰۱۳) همخوانی دارد؛ چرا که وی معتقد می‌باشد از آنجا که حسابرسی شرکت‌های بزرگ منافع زیادی برای حسابرسان دارد، لذا وجود منافع منجر به افزایش رقابت میان حسابرسان جهت تصاحب حسابرسی این شرکت‌ها و در نتیجه وقوع پدیده نرخ شکنی در حسابرسی نخستین شرکت‌های بزرگ می‌گردد. همچنین فرضیه‌های سوم و چهارم پژوهش که به تأثیر میزان رقابت بر قدرت تبیین نظریه‌های رقیب قیمت‌گذاری حسابرسی نخستین پرداخته‌اند، نشان می‌دهند که در فضای بیش‌تر رقابتی اگرچه ضریب متغیر حسابرسی نخستین منفی (نشان دهنده وقوع پدیده نرخ شکنی) می‌باشد اما سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰.۰۵ می‌باشد و به بیان دیگر حق‌الزحمه حسابرسی نخستین با حق‌الزحمه حسابرسی سال‌های آتی تفاوت معناداری ندارد. این در حالی است که در فضاهای کم‌تر رقابتی وقوع پدیده نرخ شکنی معنادار می‌باشد. به عبارت دیگر در فضای کم‌تر رقابتی نظریه دی‌آنجلو تأیید می‌گردد. همچنین نتایج فرضیه‌های پنجم و ششم پژوهش که در ارتباط با تأثیر طبقه شرکت‌های بورسی بوده است حاکی از آن است که طبقه شرکت بورسی (طبقه بالا یا پایین باشد) در قدرت تبیین نظریه‌های رقیب مؤثر نبوده و در هر دو حالت پدیده نرخ شکنی رخ می‌دهد، بنابراین در هر یک از دو حالت مذکور نیز نظریه دی‌آنجلو قابل بیان است.

یافته‌های این تحقیق می‌تواند کاربردهای متنوعی داشته باشد چرا که قیمت‌گذاری و رقابت بازار برای خدمات حسابرسی موضوع مهمی برای قانون‌گذاران، محققان و سرمایه‌گذاران به شمار می‌آید (سنایت^{۶۵}، ۱۹۷۷). برای مثال اگر رفتار مؤسسات حسابرسی در تعیین حق‌الزحمه حسابرسی نخستین مشخص باشد، قانون‌گذاران بهتر می‌توانند اقدام به قانون‌گذاری و نظارت کنند. بعلاوه شناسایی عوامل مؤثر بر قدرت تبیین نظریه‌های رقیب، می‌تواند دلایلی را برای نتایج متناقض به

دست آمده از پژوهش‌های پیشین ارائه نماید. برای مثال نتایج پژوهش حاضر مشخص نمود که میزان رقابت تا میزان قابل ملاحظه‌ای در قدرت تبیین نظریه‌ها مؤثر می‌باشد. اما نوع شرکت صاحبکار و طبقه شرکت‌های بورسی در تبیین نظریه‌های موجود مؤثر نمی‌باشد و در هر دو حالت نظریه دی‌انجلو قدرت تبیین بیش‌تری دارد. همچنین از آنجا که رویه قیمت‌گذاری با تخفیف در حسابرسی نخستین کیفیت حسابرسی (استنلی و همکاران، ۲۰۱۵) و استقلال حسابرسی (کمیسیون بورس اوراق بهادار^{۶۶} آمریکا، ۱۹۷۸؛ انجمن حسابداران رسمی آمریکا^{۶۷}، ۱۹۷۸؛ و ودوتی^{۶۸}، ۲۰۱۱) را مختل می‌کند، بنابراین بررسی و توجه به این موضوع را می‌توان یکی از مسائل مهم در عرصه خدمات حسابرسی تلقی نمود.

با توجه به مشاهده پدیده نرخ شکنی در بازار حسابرسی ایران و جلوگیری از تأثیر سوء آن بر کیفیت و استقلال حسابرسی، افشا جزییات مربوط به حق‌الزحمه حسابرسی پیشنهاد می‌گردد. چرا که جزییات ارائه شده، شبه منافع آتی را قابل مشاهده‌تر می‌کنند و لذا این امر به دلیل تأثیر سویی که بر نگرش استفاده‌کنندگان برون سازمانی دارد از وقوع شبه منافع آتی و به دنبال آن وقوع پدیده نرخ شکنی جلوگیری می‌نماید. همچنین پیشنهاد می‌گردد تا مقامات ناظر بر این مسئله تأکید کنند که انتخاب حسابرسی و تعیین حق‌الزحمه که به هیئت مدیره و بعد از آن به مدیر عامل تفویض شده است، توسط مجمع عمومی صاحبان سهام (مالکان) انجام شود.

یافته‌های این پژوهش ممکن است تحت تأثیر سابقه مؤسسه حسابرسی قرار گیرد. به این مفهوم که ممکن است یک مؤسسه حسابرسی که جدیداً عهده‌دار حسابرسی شرکت می‌شود، سال‌ها قبل نیز عهده‌دار حسابرسی آن شرکت بوده باشد.

فهرست منابع

- ۱) احمدزاده، طه، (۱۳۹۱)، "نگاهی به مشکلات ساختار کیفیت حسابرسی در ایران"، حسابرسی، شماره ۶۳، صص ۱-۸.
- ۲) پورحیدری، امید و گل‌محمدی شورکی، (۱۳۹۴)، "سنجش رقابت در بازار خدمات حسابرسی از طریق بررسی چسبندگی حق‌الزحمه حسابرسی"، مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۲، شماره ۴۷، صص ۱-۲۱.
- ۳) دیانتی، دیلمی، زهرا و مرتضی بیاتی، (۱۳۹۴)، "رابطه رقابت بازار محصول و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲۷، صص ۲۳-۳۸.
- ۴) رجبی، روح‌اله و محمدی خشویی، (۱۳۸۷)، "هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دور ۱۵، شماره ۵۳، صص ۳۵-۵۲.
- ۵) سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۸۶)، "دستورالعمل پذیرش اوراق بهادار در بورس اوراق بهادار تهران"، <http://www.seo.ir>.
- ۶) سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۸۸)، "دستورالعمل پذیرش، عرضه و نقل و انتقال اوراق بهادار در فرابورس ایران"، <http://www.ifb.ir>.
- ۷) سازمان بورس و اوراق بهادار، (۱۳۹۱)، "دستورالعمل طبقه‌بندی مؤسسات حسابرسی و اشخاص موضوع ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار"، <http://www.seo.ir>.
- ۸) حیدر پور، فرزانه و جعفری، (۱۳۹۵)، "تأثیر ساختار بازار محصول بر هزینه‌های حسابرسی"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۰، صص ۱۰۳-۱۱۸.
- ۹) عزیز خانی، مسعود و آقاییگی، (۱۳۹۲)، "بررسی حق‌الزحمه حسابرسی در حسابرسی نخستین و سنوات آینده دوره تصدی حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار"، دانش حسابداری، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۱۰۵-۱۲۷.
- ۱۰) غفارلو، عباس، (۱۳۹۰)، "بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۱۱) کردستانی، غلامرضا و غلامی روچی، (۱۳۹۲)، "بررسی ارتباط بین توان چانه زنی تأمین کنندگان مشتریان شرکت با محافظه کاری حسابداری"، فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۲۹-۵۶.

۱۲) مشایخی، بیتا، حسن زاده امینی و منتی، (۱۳۹۵)، "تأثیر کیفیت حسابرسی داخلی بر حق‌الزحمه حسابرسی مستقل"، فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۳۱، صص ۴۱-۵۶.

۱۳) نمازی، محمد و ابراهیمی، (۱۳۹۱)، "بررسی ارتباط بین ساختار رقابتی بازار محصول و بازده سهام"، پژوهش‌های تجربی حسابداری مالی، شماره ۳، صص ۹-۲۷.

۱۴) نیک بخت، محمدرضا و تنانی، (۱۳۸۹)، "آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۱۱-۱۳۲.

۱۵) واعظ، سید علی، احمدی و رشیدی باغی، (۱۳۹۳)، "تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها"، دانش حسابداری مالی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۷-۱۰۷.

16) Baumol, W., (1982), "Contestable Markets: An Uprising in the Theory of Industry Structure", American Economic Review, No.1, Vol. 72, PP. 1-15.

17) Beatty, R., (1993), "the Economic Determinants of Auditor Compensation in the Initial Public Offerings Market", Journal of Accounting Research, No. 2, Vol. 1, PP. 294-302.

18) Bigus, J., R.-C. Zimmermann., (2009), "Quasirentenmodell und Honorare für Abschlussprüfungen in Deutschland-eine Empirische Analyse", Zeitschrift für Betriebswirtschaft, No.11, Vol. 79, PP. 1283-1308.

19) Butterworth, S., K. Houghton., (1995), "Auditor Switching: The Pricing of Audit Services", Journal of Business Finance & Accounting, No.3, Vol. 22, PP. 323-344.

20) CAJEC (1992), Predatory Pricing, Discussion Paper, Chartered Accountants Joint Ethics Committee.

21) Camerman, M., (2005), "Audit Fees and the Large Auditor Premium in the Italian Market", International Journal of Auditing, No.2, Vol. 9, PP.129-146.

22) Carson, E., Fargher, N., (2007), "Note on Audit Fee Premiums to Client Size and Industry Specialization", Accounting and Finance, No. 3, Vol. 47, PP. 423-446.

23) Carson, E., Simnett, R., Soo, B.S., Wright, A.M., (2012), "Changes in Audit Market Competition and the Big N Premium", American Accounting Association, No.3, Vol. 31, PP. 47-73.

24) Casterella, J. R., Francis, J. R., Lewis, B. L., Walker, P. L., (2004), "Auditor Industry Specialisation, Client Bargaining Power, and Audit Pricing", Auditing A Journal of Practice & Theory, No. 1, Vol. 123, PP. 123-140.

25) Chan, P., Ezzamel, M., Gwilliam, D., (1993), "Determinants of Audit Fees for Quoted UK Companies", Journal of Business Finance & Accounting, NO. 6, Vol. 20, PP. 765-786.

26) Chaney, P., Jeter, D., Shivakumar, L., (2004), "Self-Selection of Auditors and Pricing of Audit Services in Private Firms", The Accounting Review, No. 1, Vol. 79, PP. 51-72.

27) Choi, J.-H., Liu, X., Kim, J.-B., Simunic, D. A., (2008), "Audit Pricing, Legal Liability Regimes, and Big 4 Premiums: Theory and Cross-Country Evidence", Contemporary Accounting Research, No. 1, Vol. 25, PP. 55-99.

- 28) Clatworthy, M., Peel, M., (2007), "The Effect of Corporate Status on External Audit Fees: Evidence From the UK", *Journal of Business Finance & Accounting*, No. 1&2, Vol. 34, PP.169–201.
- 29) Commission. C., (1978), "The Commission on Auditors' Responsibilities: Report, Conclusions, and Recommendations", Manuel F. Cohen, Chairman. New York, NY: AICPA.
- 30) Competition Commission., (2012), "Statutory Audit Services Market Investigation: Econometric Analysis of Audit Costs", London: Competition Commission. Available from: https://assets.digital.cabinetoffice.gov.uk/media/5329db3fed915d0e5d00002b/econometric_analysis_of_audit_costs.pdf [Accessed 15 May 2016].
- 31) Craswell, A. T., J. R. Francis., (1999), "Pricing Initial Audit Engagements: A Test of Competing Theories", *The Accounting Review*, No. 2, Vol. 74, PP. 201-216.
- 32) DeAngelo, L., (1981), "Auditor Independence, Low-Balling, and Disclosure Regulation", *Journal of Accounting and Economics*, No. 2, Vol. 3, PP. 113–127.
- 33) Defond, M.L., Francis, J.R., Wong, T.J., (2000), "Auditor Industry Specialization and Market Segmentation: Evidence from Hong Kong", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, No. 1, Vol. 19, PP. 49-66.
- 34) Doty, J., (2011), "The Reliability, Role and Relevance of The Audit: A Turning Point", Baruch College, New York, 5 May.
- 35) Dye, R. A., (1991), "Informationally Motivated Auditor Replacement", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 14, PP. 347-374.
- 36) Ettredge, M., Greenberg, R., (1990), "Determinants of Fee Cutting on Initial Audit Engagements", *Journal of Accounting Research*, No. 1, Vol. 28, PP. 198-210.
- 37) Firth, M., (1997), "The Provision of Non-Audit Services and The Pricing of Audit Fees", *Journal of Business Finance & Accounting*, No. 3, Vol. 24, PP. 511–525.
- 38) Flanigan, J., (2002), "Anderson's Pain Will Strengthen System", *Los Angeles Times* (March 24): C1.
- 39) Francis, J. R., (1984), "The Effect of Audit Firm Size on Audit Prices: A Study of The Australian Market", *Journal of Accounting and Economics*, No. 2, Vol. 6, PP. 133-151.
- 40) Ghosh, A. A., S. Lustgarten., (2005), "Pricing of Initial Audit Engagements By Large and Small Audit Firms", Steven, Pricing of Initial Audit Engagements By Large and Small Audit Firms.
- 41) Gregory, A., P. Collier., (1996), "Audit Fees and Auditor Change; An Investigation of The Persistence of Fee Reduction By Type of Change", *Journal of Business Finance & Accounting*, No. 1, Vol.23, PP. 13-28.
- 42) Grullon, G., Michaely, R., (2007), "Corporate Payout Policy and Product Market Competition", Working Paper. Cornell University. Available at www.ssrn.com
- 43) Hay, D., Knechel, W.R., Wong, N., (2006), "Audit Fees: A Meta-Analysis of The Effect of Supply and Demand Attributes", *Contemporary Accounting Research*, No. 1. Vol. 23, PP. 141-191.
- 44) He, W., (2009), "Agency Problems, Product Market Competition and Dividend Policy in Japan", University of New South Wales Sydney, Australia. available at www.ssrn.com.

- 45) Huang, H.W., Raghunandan, K., Rama, D., (2009), "Audit Fees for Initial Audit Engagements Before and After SOX". *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, No. 1, Vol. 28, PP. 171-190.
- 46) Johnstone, K. M., Bedard, J. C., Ettredge, M. L. (2004), "The Effect of Competitive Bidding on Engagement Planning and Pricing", *Contemporary Accounting Research*, 21(1), 25-53.
- 47) Jubb, C.A., Houghton, K.A., Butterworth, S., (1996), "Audit Fee Determinants: The Plural Nature of Risk". *Managerial Auditing Journal*, No. 3, Vol. 11, PP. 25-40.
- 48) Káčer, M., Wilson, N., (2016), "The Initial Discount for New Audit Engagements: Case of UK 1998-2012", Available at: <http://ssrn.com/abstract=2691019>.
- 49) Koh, k., Tong, Y. H., Zhu, Z., (2016), "The Effects of Financial Statement Disaggregation on Audit Pricing", Available at: <http://ssrn.com/abstract=2795401>.
- 50) Köhler, A. G., K.-U. Marten., M. Wagner., (2010), "Prüfungshonorare in Deutschland-Determinanten und Implikationen", *Zeitschrift für Betriebswirtschaft*, No. 1, Vol. 80, PP. 5-29.
- 51) Krauß, P., B. M. Quosigk., H. Zülch., (2014), "Effects of Initial Audit Fee Discounts on Audit Quality: Evidence from Germany", *International Journal of Auditing*, No. 1, Vol. 18, PP. 40-56.
- 52) Leventis, S., Weetman, P., Caramanis, C., (2011), "Agency Costs and Product Market Competition: The Case of Audit Pricing in Greece", *The British Accounting Review*, Vol. 43, PP. 112-119.
- 53) Li, X., (2010), "The Impacts of Product Market Competition on The Quantity and Quality of Voluntary Disclosures", *Review of Accounting Studies*, Vol. 15, PP. 663-711.
- 54) Neimi, L., (2002), "Do Firms Pay for Audit Risk? Evidence on Risk Premiums in Audit Fees after Direct Control for Audit Effort". *International Journal of Auditing*, No. 1, Vol. 6, PP. 37-51.
- 55) Palmrose, Z., (1986), "Audit Fees and Auditor Size: Further Evidence". *Journal of Accounting Research*, No. 1. Vol. 24, PP. 97-110.
- 56) Peel, M. j., (2013), "The Pricing of Initial Audit Engagements By Big 4 and Leading Mid-Tier Auditors", *Accounting and Business Research*, DOI: 10.1080/00014788.2013.827106.
- 57) Pong, C., Whittington, G., (1994), "Determinants of Audit Fees: Some Empirical Models", *Journal of The Business, Finance and Accounting*, No. 8, Vol. 21, PP. 1071-1095.
- 58) Sankaraguruswamy, S., S. Whisenant., (2009), "Pricing Initial Audit Engagements: Empirical Evidence Following Public Disclosure of Audit Fees", Available at: SSRN 452680.
- 59) Securities and E. Commission. (1978), "Disclosure of Relationships with Independent Public Accountants", (Accounting Series Release No. 250), Government Printing Office, Washington, DC.
- 60) Senate, U.S., (1977), "Subcommittee on Reports, Accounting and Management of the Commission on Government Operations", *The Accounting Establishment: A Staff Study*. Washington DC. Government Printing Office.

- 61) Simon, D.T., Francis, J.R., (1988), "The Effects of Auditor Change on Audit Fees: Tests of Price Cutting and Price Recovery", *The Accounting Review*, No. 2, Vol. 63, PP. 255-269.
- 62) Simunic, D. A., (1980). "The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence", *Journal of Accounting Research*, No. 3, Vol. 22, PP. 161-190.
- 63) Stanley, J. D., D. M. Brandon., J. J. McMillan., (2015), "Does Lowballing Impair Audit Quality? Evidence from Client Accruals Surrounding Analyst Forecasts", *Journal of Accounting and Public Policy*, No. 6, Vol. 34, PP. 625-645.
- 64) Turner, L., (2002), "Oversight Hearing on Accounting and Investor Protection Issues Raised By Enron and Other Public Companies, U.S. Senate, Committee on Banking, Housing and Urban Affairs", (February 26). Washington, D.C.; Government Printing Office.
- 65) Wild, A., (2010), "Fee Cutting and Fee Premium of German Auditors", *Business Administration Review*, NO. 6, VOL. 70, PP. 513-527.

یادداشت‌ها

1. Low-Balling
2. Chartered Accountants Joint Ethics Committee
3. DeAngelo
4. Dye
5. Turner
6. Flanigan
7. Simon
8. Francis
9. Ettredge
10. Greenberg
11. Butterworth
12. Houghton
13. Kaçer
14. Wilson
15. Competition Commission
16. Craswell
17. Pong
18. Whittington
19. Gregory
20. Collier
21. Peel
22. Ghosh
23. Lustgarten
24. Sankaraguruswamy
25. Whisenant
26. Stanley
27. Bigus
28. Zimmermann
29. Köhler
30. Wild

31. Krauß
32. Simunic
33. Defond
34. Hay
35. Baumol
36. Choi
37. Johnstone
38. Bedard
39. Leventis
40. Weetman
41. Caramanis
42. Casterella
43. Lewis
44. Walker
45. Carson
46. Fargher
47. Koh
48. Tong
49. Zhu
50. Huang
51. Neimi
52. Palmrose
53. Chan
54. Firth
55. Beatty
56. Clatworthy
57. Chaney
58. Jeter
59. Shivakumar
60. Camerman
61. Jubb
62. Grullon
63. Michaely
64. He.3
65. Li.4
66. Senate
67. Securities and Exchange Commission
68. American Institute of Certified Public Accountants
69. Doty